

زمان سال ولادت و دوران حمل

کتاب: فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۱۵۱

نویسنده: جعفر سبحانی

شاید یکی از پراختلاف ترین مسایل تاریخ زندگانی حضرت محمد اختلاف موجود در تاریخ ولادت آن بزرگوار باشد که اگر کسی بخواهد همه اقوال را در این باره جمع آوری کند به بیش از بیست قول می‌رسد.

عموم سیره نویسان اتفاق دارند که، تولد پیامبر گرامی در عام الفیل، در سال ۵۷۰ میلادی بوده است. زیرا آن حضرت به طور قطع، در سال ۶۳۲ میلادی در گذشته است، و سن مبارک او ۶۲ تا ۶۳ بوده است. بنابراین، ولادت او در حدود ۵۷۰ میلادی خواهد بود.

اکثر محدثان و مورخان بر این قول اتفاق دارند که تولد رسول اعظم، در ماه «ربیع الاول» بوده، ولی در روز تولد او اختلاف دارند. معروف میان محدثان شیعه اینست که آن حضرت، در هفدهم ماه ربیع الاول، روز جمعه، پس از طلوع فجر چشم به دنیا گشود، و مشهور میان اهل تسنن اینست که ولادت آن حضرت، در روز دوشنبه دوازدهم همان ماه اتفاق افتاده است^(۱).

از این دو قول کدام صحیح است؟

بسیاری جای تاسف است که روز میلاد و وفات رهبر عالیقدر اسلام، بلکه موالید و وفیات بیشتر پیشوایان مذهبی ما، به طور تحقیق معین نیست. این ابهام سبب شده که بسیاری از روزهای جشن و سوگواری ما از نظر تاریخ قطعی نباشد، در صورتی که دانشمندان اسلام، نوعا وقایع و حوادثی را که در طی قرون اسلامی رخ داده است، با نظم مخصوصی ضبط کرده‌اند، ولی معلوم نیست چه عواملی در کار بوده که میلاد و وفات بسیاری از آنها به طور دقیق ضبط نگردیده است.

فراموش نمی‌کنم هنگامی که دست تقدیر، نگارنده را به سوی یکی از شهرهای مرزی «کردستان» ایران کشانیده بود، یکی از دانشمندان آن محل این موضوع را با من در میان گذارد و بیش از حد اظهار تاسف نمود و از سهل انگاری نویسندگان اسلامی بسیار تعجب می‌کرد، و می‌افزود: چطور آنان در یک چنین موضوع اختلاف نظر دارند. نگارنده به او گفت: این موضوع تا حدودی قابل حل است. اگر شما بخواهید بیوگرافی و شرح حال یکی از دانشمندان این شهر را بررسی کنید و فرض کنیم که این دانشمند پس از خود اولاد و کسان زیادی از خود به یادگار گذارده باشد، آیا به خود اجازه می‌دهید که با بودن فرزندان مطلع، و فامیل بزرگ آن شخص، که از خصوصیات زندگانی او طبعاً آگاهند، بروید شرح زندگانی او را از اجانب و بیگانگان، یا از دوستان و علاقمندان آن شخص درخواست کنید؟ بطور مسلم وجدان شما چنین کار را اجازه نمی‌دهد.

رسول گرامی اسلام از میان مردم رفت، و فامیل و فرزندان از خود به یادگار گذارد، بستگان و کسان آن حضرت می‌گویند: اگر رسول خدا پدر ارجمند ماست، و ما در خانه او بزرگ و در دامن مهر او پرورش یافته ایم، بزرگ خاندان ما، در فلان روز به دنیا آمده و در فلان ساعت معین، چشم از جهان بر بسته است. آیا با این وضع جا دارد که قول فرزندان او را نادیده گرفته و نظر دور افتادگان و همسایگان را بر قول آنان ترجیح دهیم؟!

دانشمند مزبور، پس از شنیدن سخنان نگارنده سر به زیر افکند، و سپس گفت: گفتار شما مضمون مثل معروف است که: «اهل البیت ادری بما فی البیت» و من نیز تصور می‌کنم که قول امامیه، در خصوصیات زندگی آن حضرت که ما خود از اولاد و فرزندان و نزدیکان اوست، به حقیقت نزدیکتر باشد. سپس دامنه سخن به جاهای دیگر کشیده شد که فعلا جای باز گوئی آنها نیست.

دوران حمل

معروف این است که نور وجود آن حضرت، در ایام تشریق (یازدهم و دوازدهم و سیزدهم از ماه حج را ایام تشریق می‌نامند) در رحم پاک «آمنه» قرار گرفت^(۲). ولی این مطلب با آنچه میان عموم مورخان مشهور است که میلاد آن حضرت در ماه «ربیع الاول» بوده است، سازگار نیست. زیرا در این صورت، باید دوران حمل «آمنه» را، سه ماه و یا یکسال و سه ماه بدانیم، و این خود از موازین عادی بیرون است و کسی هم آن را از خصائص حضرت محمد (ص) نشمرده است^(۳).

محقق بزرگ، شهید ثانی (۹۱۱-۹۶۶) اشکال مزبور را چنین حل کرده است که: فرزندان اسماعیل به پیروی از نیاکان خود، مراسم حج را در «ذی الحججه» انجام می دادند، ولی بعداً به عللی به این فکر افتادند که مراسم حج را هر دو سال در یک ماه انجام دهند. یعنی دو سال در «ذی الحججه»، و دو سال در «محرم»، و بهمین ترتیب. بنابراین، با گذشتن بیست و چهار سال، دو مرتبه ایام حج به جای خود باز می گردد و رسم اعراب بر همین جاری بود، تا این که در سال دهم هجرت که برای اولین بار، ایام حج با ذی الحججه تصادف کرده بود، پیامبر گرامی با القاء خطبه ای، از هر گونه تغییر اکیدا جلوگیری فرمود، و ماه ذی الحججه را ماه حج معرفی نمود^(۴) و این آیه در خصوص جلوگیری از تاخیر ماههای حرام که رسم عرب جاهلی بود نازل گردیده است:

انما النسیء زیاده فی الکفر یضل به الذین کفروا یحلونه عاما و یحرمونه عاما. (۵)»

«تغییر دادن ماههای حرام نشانه فزونی کفر است. کسانی که کافرنند بوسیله آن گمراه می شوند یکسال آن را حلال می شمارند و یکسال حرام.»

روی این جریان، ایام تشریق در هر دو سال در گردش بوده است. اگر روایات می گوید که: نور آن حضرت در ایام «تشریق»، در رحم مادر قرار گرفته و در هفدهم ربیع الاول از مادر متولد گردیده است، این دو مطلب با هم منافات ندارند. زیرا در صورتی منافات پیدا می کنند که، منظور از ایام تشریق همان یازدهم و دوازدهم و سیزدهم «ذی الحججه» باشد. ولی همان طوری که توضیح داده شد، ایام تشریق پیوسته در تغییر و تبدیل بوده و ما با محاسبات به این مطلب رسیدیم که در سال حمل و ولادت آن حضرت، ایام حج مصادف با ماه جمادی الاولی بوده است. و چون آن حضرت در ربیع الاول متولد گردیده، در این صورت دوران حمل آمنه تقریباً ده ماه بوده است^(۶).

اشکالات این بیان

نتیجه ای را که مرحوم شهید ثانی از این نظر گرفته است، صحیح نیست، و معنائی که برای (نسیء) بیان نموده، از میان مفسران، فقط «مجاهد» آن را برگزیده و دیگران آن را طور دیگر تفسیر کرده اند و تفسیر مزبور چندان محکم نیست زیرا:

اولاً- مکه، مرکز همه گونه اجتماعات بود و یک عبادتگاه عمومی برای تمام اعراب به شمار می رفت. ناگفته پیداست که تغییر حج در هر دو سال، طبعاً مردم را دچار اشتباه می کند و عظمت آن اجتماع بزرگ و عبادت دسته جمعی را از بین می برد. روی این نظر بعید است که قریش و مکیان راضی بشوند که آنچه مایه افتخار و عظمت آنهاست، در هر دو سال در دست تحول باشد و سرانجام مردم، وقت آن را گم کنند و آن اجتماع از بین برود.

ثانیاً- اگر به دقت محاسبه شود، لازمه این سخن این است که: در سال نهم هجرت، ایام حج مصادف با ذی القعدة بوده باشد. در صورتی که در همین سال، امیر مؤمنان «ع»، از طرف پیامبر «ص» ماموریت یافت که سوره «برائت» را در ایام حج برای مشرکان بخواند. مفسران و محدثان متفقند که آن حضرت، سوره مزبور را در دهم ذی الحججه خواند و چهار ماه مهلت داد و آغاز مهلت را دهم ذی الحججه می دانند، نه ذی القعدة.

ثالثاً- معنای «نسیء» اینست که: چون اعراب مجرای صحیحی برای زندگانی نداشتند، غالباً از راه غارتگری ارتزاق می نمودند. از این جهت، برای آنان بسیار سخت بود که در سه ماه (ذی القعدة و ذی الحججه و محرم) جنگ را تعطیل کنند. از این جهت، گاهی از متصدیان کعبه درخواست می کردند، که اجازه دهند در ماه محرم الحرام جنگ کنند و به جای آن، در ماه صفر جنگ متارکه شود، و معنای «نسیء» همین است و در غیر محرم، ابتدا (نسیء) نبوده است و در خود آیه اشاره ای بر این مطلب دیده می شود.

«یحلونہ عاما و یحرمونہ عاما:

یکسال جنگ را حلال و یکسال حرام می کردند. ما تصور می کنیم راه حل مشکل این است که: اعراب، در دو موقع «حج» می کردند. یکی ذی الحججه و دیگر ماه رجب، و تمام اعمال حج را در همین دو موقع انجام می دادند. در این صورت، ممکن است مقصود از اینکه: «آمنه»، در ماه حج یا در ایام تشریق، حامل نور رسول خدا شده، همان ماه رجب باشد، و اگر تولد آن حضرت را در هفدهم ماه ربیع الاول بدانیم، در این صورت مدت حمل، هشت ماه و اندی خواهد بود.

پی نوشت ها:

۲. فقط طریحی در «مجمع البحرین» در ماده «شرق» به صورت قولی که گوینده آن معلوم نیست، آن را نقل کرده است.

۳. رسول گرامی، این حقیقت را با جمله زیر بیان فرمود: و ان الزمان قد اشدت از کهیته یوم خلق السماوات و الارض: زمان به نقطه‌ای که از آنجا آغاز شده بود بازگشت، روزی که خدا آسمانها و زمین را آفرید.

۴. سوره توبه/۳۷.

« ۵. بحار الانوار»، ج ۲۵۲/۱۵.

۶. علامه مجلسی، در «بحار»، ج ۲۵۳/۱۰۰، این محاسبه را انجام داده است. علاقمندان می‌توانند به آن جا مراجعه بفرمایند، هر چند به اشکالی که در بالا یاد آور شدیم، توجه نداده است.